

ویژگی‌های «مدرسه‌ای که دوست دارم»* با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش

حمیدرضا حاجی‌بابایی**

چکیده

هدف این مقاله ارائه مدل مفهومی از مدرسه با شاخص‌ها و مولفه‌هایی مبتنی بر نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. ارکان اصلی این مدرسه مدیر، معلم، دانش آموز و برنامه آموزشی و درسی است و مولفه‌های اصلی آن مدیریت و رهبری توانمند و آگاه، برنامه‌های درسی مناسب، فضای بانشاط، نیروی انسانی توانمند، تجهیزات و فناوری کافی و مناسب است که در تداوم فعالیت آن نقش اساسی دارند. این مدرسه زمینه ساز تحقق مراتب حیات طیبه در دانش آموزان و کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیت^۱ به فراگیران بوده، تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی را ضمانت می‌نماید. مدرسه‌ای که در ارتقای کیفیت آموزشی و پرورشی و رشد و شکوفایی استعدادهای دانش آموزان موفقیت کامل داشته و به تعبیر دیگر همه فراگیران، معلمان، اولیاء و اهالی محله، این مدرسه را دوست خواهند داشت. چنین مدرسه‌ای باید بتواند مکانی مناسب برای تربیت انسانی مؤمن و متخلق به اخلاق اسلامی فراهم نماید و زمینه ساز تحقق همه جانبه‌ی عدالت تربیتی در کشور، ارتقاء دهنده بهره‌وری منابع در مدارس، افزایش دهنده مشارکت جامعه در رشد و تعالی تعلیم و تربیت مدرسه و یاری کننده کشور در دستیابی به رتبه نخست تربیت در منطقه و جهان اسلام بر اساس چشم انداز ۲۰ ساله باشد.

وجود چنین مدرسه‌ای موجب افزایش رضایت دانش آموزان، اولیاء و مسئولین از عملکرد نظام آموزش و پرورش، بر اساس ضوابط و مقررات آن خواهد شد. شاخص‌ها و

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۱۲ تاریخ شروع بررسی: ۹۰/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۶
* منظور مدرسه‌ای است که همه آن را دوست خواهند داشت. لذا "من مستتر" نمادی از دانش‌آموز، خانواده، معلم و والدین است که چنین مدرسه‌ای مطلوب آنهاست.

** دکتری الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآنی و حدیث و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا

محورهای مورد نظر در این مقاله همگی مبتنی بر اسناد بالادستی کشور احصاء گردیده است. کلید واژه‌ها: مدرسه‌ای که دوست دارم، تحول بنیادین آموزش و پرورش

مقدمه

در قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور (کماکان، ۱۳۹۰)، به دولت اجازه داده شده است تا برنامه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور را در چارچوب قوانین موضوعه اعمال نماید. این برنامه با الهام از ارزش‌های منبعث از آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام، و اسناد بالادستی، شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) (صحیفه نور، ص ۵۳۳) و مقام معظم رهبری (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۱۳۸۶)، سند چشم‌انداز بیست ساله، نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری سند ملی آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران^۳) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آنها می‌باشد (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹)

در برنامه تحول بنیادین مدرسه رکن اصلی نظام آموزشی و جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیمی و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مدرسه محلی مناسب برای عرضه بایدها و نبایدهای نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی برای دانش‌آموزان و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ملی محسوب می‌شود. این ارزش‌ها ملهم از آموزه‌های قرآن کریم و نیز برگرفته از نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س) و ائمه معصومین (ع) به ویژه آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار (جامعه مهدوی) و میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، قانون اساسی و ولایت فقیه است.

در این مدرسه معلم^۹ هدایت کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، عبادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق ماموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی محسوب می‌شود.

ویژگی‌های مدرسه

کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری همراه با توجه به

سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده، وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی- ایرانی، مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی، داشتن روحیه جمعی و کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی، زمینه‌ساز کار و کارآفرینی، ارتقای انواع و مراتب عقلانیت در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت به صورتی جامع، یک‌پارچه و متوازن، ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب معیارهای اسلامی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان.

مدرسه مکانی امن و غنی شده از برنامه‌های آموزشی و پرورشی برای همه دانش‌آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش‌آموزان، ایجاد آمادگی در آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. در چنین شرایطی و در افق چشم انداز ۲۰ ساله کشور، مدرسه تبدیل به مکانی خواهد شد که دانش‌آموزان از حضور فعال در آن لذت می‌برند و از ترک نمودن آن اکراه دارند. در این مدرسه دانش‌آموز نه تنها در بخش آموزش بلکه در زمینه تربیت دینی و اخلاقی خود با معلمان مشارکتی فعال دارد. بنابراین دانش‌آموز مرکز توجه و محور فعالیت‌هاست. به عبارت دیگر، در این مدرسه رویکرد دانش‌آموز محوری در کنار رویکردهای موضوع محوری و معلم محوری مورد تأکید و توجه است.

در این مدرسه، تلاش بر آن است که ضمن آموزش علوم مختلف، فرصت‌های علمی و عملی بیشتری در تقویت مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان ایجاد شود و بطور کلی مهارت‌های لازم برای داشتن یک زندگی موفقیت‌آمیز در جامعه، با در نظر گرفتن معیارهای ارزشی و اسلامی و تحولات اجتماعی به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

در طراحی این مدرسه به معماری اسلامی- ایرانی، هویت بومی و محلی، رنگ‌آمیزی زیبا و جذاب، استفاده از مبلمان آموزشی مناسب، استفاده از گل و گیاه چیدمان کلاسی مناسب توجه خواهد شد. فرهنگ سازمانی مدرسه، تعامل مؤثر مدیر با معلمان، تعامل دانش‌آموزان، ارتباط معلمان با دانش‌آموزان، تولید فکر جدید و استفاده از نوآوری است. به تمام ابعاد وجودی و شخصیتی دانش‌آموزان توجه شده و ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان ارتباطی دوستانه و سرشار از محبت است. چنین مدرسه‌ای همگام با تحولات اجتماعی به ایجاد تغییر در ساختار و سازماندهی خود مبادرت می‌ورزد.

بدیهی است ایجاد این مدرسه به صورت آنی ممکن نیست و لازم است در محیطی از یک جامعه یادگیرنده مادام‌العمر طراحی و راه‌اندازی شود. بنابراین تعاملات بین جامعه و مدرسه به تکامل تدریجی مدرسه در طی زمان می‌انجامد. از طرفی چنین حرکت تکاملی هیچ‌گاه پایان

نمی‌پذیرد زیرا انتظارات و نیازها دائم در حال تغییرند و متناسب با آن مهارت‌ها و نقش‌ها نیز تغییر می‌یابند که این خود آموزش‌های جدیدی را تعریف می‌نماید. بنابراین مدرسه فوق جزئی از جامعه است و آمادگی لازم برای همگام شدن با تحولات اجتماعی و فناورانه را در خود دارد و همواره قابلیت به روز کردن و «نوسازی» خود را بروز می‌دهد. چنین مدرسه‌ای در درجه نخست، همگام با تحولات اجتماعی، به ایجاد تغییر در ساختار و نحوه رهبری خود مبادرت می‌ورزد. در این نگاه، این مدرسه نوعی سازمان یادگیرنده محسوب می‌شود که با تغییر زیرساخت واحدهای آموزشی موجود، به ترویج یادگیری زاینده^۵، بازبینی^۶ الگوهای ذهنی^۷ و بازاندیشی^۸ در عمل، نوآوری در آموزش و یادگیری برای نوآوری یاری می‌رساند و به این ترتیب مدرسه را به یک موجود زنده (سیستم) تبدیل می‌نماید.

هدف اصلی معرفی الگوهای ذهنی در سازمان یادگیرنده، شفاف‌سازی، تبیین و گفت‌وگو پیرامون پیش فرض‌ها، نگرش‌ها، باورها و تصویرهای ذهنی است که انسان‌ها براساس آنها جهان را فهم و تفسیر می‌کنند و با آن در تعامل هستند. روشن نمودن الگوهای ذهنی به آدمیان کمک می‌کند تا تأثیر پیش فرض‌های ذهنی را در رفتار و زندگی خود به روشنی مشاهده کنند، در جست‌وجوی راهی برای بازبینی و اصلاح آنها باشند و الگوهای ذهنی تازه‌ای را که نوید جهان و زندگی بهتری می‌دهند، خلق کنند. انسان همواره در زندگی فردی، شغلی، آموزشی، اجتماعی، خانوادگی و... بر اساس تصورات خود دست به تفسیر واقعیت‌های خارج از ذهن خود می‌زند و اغلب آنها را یقینی می‌پندارد و بر اساس آنها تصمیم می‌گیرد. بنابراین هر تغییری برای بهبود عملکردها و نتایج آن الزاماً باید از طریق بهسازی پیش فرض‌های ذهنی انسان شروع شود. آگاهی بیشتر نسبت به نحوه استدلال، روش تفکر و عمل (بازاندیشی)، تبیین دقیق و شفاف پیش فرض‌های ذهنی خود در تعامل با دیگران (بازبینی) و بازنگری در فرایند تصویرسازی ذهنی، تجزیه و تحلیل فرایندها و استنتاج در ذهن (نردبان استنتاج) به بهسازی مناسبات انسانی کمک می‌کند و انسان از این طریق پیش فرض‌های ذهنی را بازسازی می‌کند و این یکی از اساسی‌ترین رویکردهای مورد توجه در این مدرسه است.

اهداف (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

این مدرسه باید بتواند اهداف زیر را محقق سازد:

۱. مکانی باشد مناسب برای تربیت انسانی مؤمن و متخلق به اخلاق اسلامی، آشنا و متعهد به

مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت؛ حقیقت‌جو و عاقل، عدالت خواه، صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع، ایثارگر، وطن‌دوست، جمع‌گرا، منتظر و جهانی‌اندیش، با اراده، امیدوار، خودباور، دارای عزت نفس، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزادمنش، خلاق و کارآفرین و مقتصد، سالم و با نشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر (شایستگی‌های پایه در ساحت‌های تعلیم و تربیت^۹)، و آماده ورود به انواع تربیت تخصصی و شغلی برای زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی؛

۲. قادر به آمادگی حداکثری و افزایش نقش دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور و برپایی جامعه صالح اسلامی، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی؛

۳. زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی- ایرانی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام علمی به اصل ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی؛

۴. تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی، بهداشتی و زیست محیطی؛

۵. زمینه‌ساز تحقق همه جانبه عدالت تربیتی برای دانش‌آموزان مناطق مختلف کشور؛

۶. ایجاد زمینه برای ارتقای بهره‌وری مدیریت منابع در مدارس بر اساس نظام معیار اسلامی؛

۷. افزایش مشارکت و اثربخشی افراد جامعه و اولیا در رشد و تعالی تعلیم و تربیت مدرسه‌ای؛

۸. بهسازی و متحول‌سازی نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت‌های

کالبدی و فناوری مدارس سراسر کشور؛

۹. کمک و مشارکت مدارس در دستیابی کشور به رتبه نخست تربیتی در منطقه و جهان

اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹).

ویژگی‌ها:

برای چنین مدرسه‌ای بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) ویژگی‌های

زیر مورد تأکید قرار می‌گیرد:

۱. تجلی بخش فرهنگ غنی اسلامی برای دانش‌آموزان در روابط و مناسبات با خالق، خود،

دیگران و خلقت به قصد قربت الهی است (به ویژه تکلیف‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، کرامت

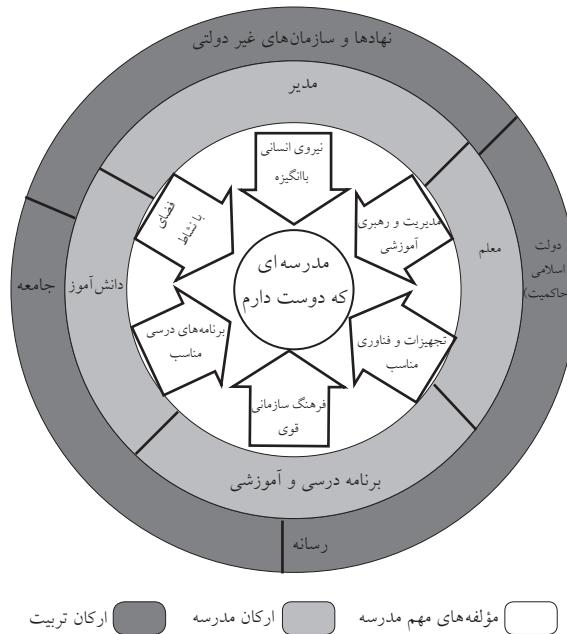
نفس، وفاداری و امانتداری، خودباوری، همدلی، احترام، اعتماد، وقت‌شناسی، نظم و جدیت)؛

۲. نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور؛
۳. برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در چارچوب سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی؛
۴. نقش آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرایند زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان بر اساس نظام معیار اسلامی؛
۵. دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی، کشف و هدایت استعداد‌های متنوع فطری و پاسخ‌گویی به نیازها و علائق و رغبت دانش‌آموزان در راستای مصالح و چارچوب نظام معیار اسلامی؛
۶. یادگیرنده، کمال‌جو، خواستار تعالی مستمر فرصت‌های تربیتی، تسهیل‌کننده هدایت، یادگیری و تدارک بیننده خودجوش ظرفیت‌های جدید در خدمت تعلیم و تربیت؛
۷. خود ارزیاب، مسئول و پاسخگو نسبت به نظارت و ارزیابی بیرونی (نظام آموزشی)؛
۸. تأمین‌کننده محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، با نشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی.
۹. برخوردار از معلمان دارای فضائل اخلاقی و شایستگی‌های حرفه‌ای با هویت یکپارچه توحیدی بر اساس نظام معیار اسلامی؛
۱۰. مبتنی بر رویکرد مدیریتی نقدپذیر و مشارکت‌جو و یادگیرنده؛
۱۱. متکی بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره‌مند از ظرفیت عوامل سهیم و مؤثر و مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان (با تأکید بر معلمان، دانش‌آموزان و خانواده)؛
۱۲. برخوردار از بهره‌فناوری آموزشی در سطح معیار با توجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری؛
۱۳. دارای ظرفیت تصمیم‌سازی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛
۱۴. دارای تعامل اثربخش با مساجد، نهادها، مراکز مذهبی و کانون‌های محلی نظیر فرهنگ سراها، کتابخانه‌های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و مؤثر با عالمان دینی، صاحب‌نظران و متخصصان؛
۱۵. دارای پیوند مؤثر با موضوعات و مسائل جامعه در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی با حضور فعال در حیات اجتماعی.

مدل مفهومی

«وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی

و غیردولتی است و ماموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه‌دستیابی دانش‌آموزان لازم‌التعلیم را طی ۱۲ پایه تحصیلی، به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش برساند. انجام این مهم، نقش زیر ساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی خواهد داشت. بدون شک بستر اجرایی چنین ماموریتی در آموزش و پرورش مدرسه است و «مدرسه‌ای که دوست دارم» تمامی شرایط مورد نیاز برای تحقق چنین ماموریتی را دارا می‌باشد. مدل مفهومی این مدرسه را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد:



مدل مفهومی «مدرسه‌ای که دوست دارم»

۱. عوامل بیرونی تاثیرگذار بر مدرسه (ارکان تربیت رسمی و عمومی)

مدرسه بخشی از جامعه و معرف یک سیستم اجتماعی پیچیده با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌باشد. در این میان «مدرسه‌ای که دوست دارم» یکی از پویاترین سیستم‌های اجتماعی در جامعه دارای حیات است و دائماً با جامعه اطراف خود در حال تعامل می‌باشد. از طرفی این مدرسه پاسخگوی نیازهای دانش‌آموز و به تبع آن خانواده و جامعه است و از طرف دیگر درخواست‌ها و انتظاراتی از آنان دارد که به واسطه این انتظارات و با تحقق آنها عملکرد مدرسه

بهینه شده و حصول به اهداف در سطوح بالای کیفیت امکان‌پذیر می‌گردد. آنچه در این مدرسه پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد جهت تربیت دانش‌آموز به‌عنوان یک فرد در خانواده و جامعه و آماده نمودن او برای زندگی در حال و آینده است.

در فلسفه تربیت رسمی و عمومی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بخش ۱-۳ اشاره شده که ارکان نظام تربیت رسمی و عمومی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران شامل دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه و نهادها و سازمان‌های غیر دولتی است. این عوامل از بیرون بر مدرسه احاطه دارند و از خروجی آن استفاده مداوم و مؤثر می‌نمایند. در توضیح بیشتر برای هر یک از این مفاهیم باید اضافه نمود که:

۱-۱- **حاکمیت اسلامی:** هدف از تشکیل حکومت در اسلام یا حکومت منطبق با ملاک‌های دینی، هدایت مردم به سوی کمال و برپایی عدالت است. برای تحقق این هدف ضروری است لوازم و عوامل زمینه‌ساز تحقق اهداف مذکور به تناسب شرایط زمانی و مکانی مورد توجه قرار گیرد. یکی از این لوازم حکومت هدایت‌گرانه، عادلانه و تربیت^{۱۱} است که بیشترین نقش را در برپایی و تداوم چنین حکومتی دارد. از این‌رو در برقراری جریان تربیت و ساز و کارهای تحقق حق بر تربیت در جامعه اسلامی، حاکمیت یکی از ارکان است و ضروری است دخالتی آشکار و وسیع در مدیریت این موضوع در سطح جامعه داشته باشد. مداخله در تحقق تربیت، بنابر دلایلی که در بحث ضرورت تربیت رسمی و عمومی مطرح گردید، در این نوع تربیت بیشتر و اثرگذارتر خواهد بود. حق بر تربیت به ویژه نوع رسمی آن، در زمره حقوقی است که دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است، اما جنبه اجتماعی آن بر جنبه فردی^{۱۱} اش غلبه دارد. در خصوص حقوق اجتماعی، دخالت دولت برای فراهم آوردن زمینه لازم جهت تحقق این حقوق لازم است. دولت باید پایش و نظارت جدی بر این حقوق داشته باشد تا همه افراد جامعه، به دور از تبعیض، از حقوق مذکور برخوردار شوند. اگر برخی از افراد جامعه امکانات مادی یا توانایی‌های جسمی و فکری لازم را، برای بهره‌مندی از حقوق مذکور را نداشته باشند دولت مکلف است شرایط مناسبی برای آنها ایجاد کند و حمایت‌های بیشتری از حقوق آنها به عمل آورد. بر این اساس جنبه اجتماعی حق بر تربیت رسمی ایجاب می‌کند دولت پایش آن را در جامعه به‌عنوان یک حق اجتماعی بر عهده گیرد که این وظیفه شامل طیف گسترده‌ای از فرایندها و فعالیت‌ها مانند هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح نظام تربیت رسمی می‌شود^{۱۲}.

۲-۱- خانواده: در اسلام طبق روایات و احادیث و نظرات فقها و صاحب نظران، تربیت فرزندان بر والدین تکلیف است، زیرا تربیت با جلب منافع و دفع زیان در طول حیات فرزندان موجبات رشد و تعالی آنان را فراهم می‌آورند. بنابراین تربیت تکلیفی است که قابل فروگذارند نیست. رشد و تعالی نوباوگان جامعه متوقف بر ادای به موقع و درست این تکلیف است و گرنه آسیب‌های زیادی متوجه جامعه خواهد شد. اهمیت این تکلیف تا جایی است که دولت‌ها در هنگامه ضعف و سستی و عدم حضور والدین برای ادای تکلیف به‌عنوان جانشین وارد عمل شده و مداخله می‌نمایند. نقش و جایگاه والدین در تحقق حق بر تربیت فرزندان در تمامی سطوح و انواع تربیت یکسان نیست. تردیدی نیست که این نقش به سبب شرایط رشدی کودکان در سنین آغازین زندگی برجسته‌تر و حساس‌تر و ضروری‌تر است اما با توجه به پیچیدگی‌های فرایند تربیت و تخصصی بودن آن در عصر حاضر، به ویژه در تربیت رسمی، خانواده‌ها نمی‌توانند به تنهایی این وظیفه خطیر اجتماعی را به عهده بگیرند. لذا همان‌گونه که پیشتر بیان شد حاکمیت نقش فعال‌تری به عهده گرفته است. اما این به معنای رفع تکلیف و واگذاری تمام و کمال این تکلیف به دیگران نیست. لذا تعامل و مشارکت بین حاکمیت (دولت) و خانواده‌ها در تحقق حق بر تربیت ضروری می‌نماید. بر این اساس می‌توان گفت که علی‌الاصول در تمامی مراحل و سطوح فرایند تربیت رسمی و عمومی، خانواده یکی از ارکان به حساب می‌آید.

در «مدرسه‌ای که دوست دارم» ارتباط خانواده و مدرسه به‌صورت یک تعامل صرف و ظاهری نیست، بلکه تعاملی فعال، دوجانبه و مؤثر بین طرفین برقرار است. به عبارتی خانواده‌ها در مدرسه هم آموزش می‌بینند و هم آموزش می‌دهند و در امور مشارکت فعال دارند. آنها حتی می‌توانند با هماهنگی مدرسه و معلم مربوطه به‌عنوان کمک در کلاس درس حضور یابند و جریان تدریس را تسهیل نمایند.

۳-۱- رسانه: امروزه نقش و جایگاه رسانه‌ها در تمامی جوامع افزایش یافته است. از آنجایی که استفاده متریبان و مربیان از رسانه ملی همچنان بیشتر از فناوری‌های جدید است، بنابراین نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت بهره‌مندی از ظرفیت تربیتی رسانه می‌تواند و باید با سفارش دادن ساخت برنامه‌های تربیتی متنوع و مفید به رسانه ملی و یا با طراحی سایت‌های مناسب در جهت ارتقای سطح تربیتی مخاطبان خود بکوشد. (سند فلسفه تربیت ص ۳۰۹)

۴-۱- نهادها و سازمان‌های غیر دولتی: پیچیدگی و گستردگی جریان تحقق حق بر تربیت رسمی و همچنین جنبه اجتماعی حق بر تربیت رسمی نباید موجبات سلطه انحصاری دولت را بر تربیت فراهم آورد؛ زیرا این انحصار می‌تواند موجبات انحراف جریان تربیت رسمی را فراهم

آورده و تحقق رسالت، کارکردها و اهداف این مدرسه را با مشکل روبه‌رو سازد. لذا علاوه بر حضور خانواده در جریان تربیت رسمی، باید فضایی برای مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی که در حوزه تربیت رسمی تخصص دارند فراهم گردد. امروزه کارشناسان بر این باورند که حضور نهادهای مدنی با رویکرد انتقادی نسبت به وضع موجود، موجب پویایی و افزایش کیفیت و تحقیق بهتر و کامل‌تر کارکردهای نظام تربیت رسمی خواهد شد.

با توجه به عوامل بیرونی که در بالا ذکر شد، مدرسه دائماً از جانب این بخش‌ها مورد تغذیه قرار گرفته و علاوه بر تعامل سازنده با آنها، با استفاده از ظرفیت‌های آنان به انجام فعالیت‌های آموزشی و پرورشی خواهد پرداخت.

از طرفی بر اساس بند ۵ راهبردهای کلان در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش "تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی" به‌عنوان یک راهبرد معرفی شده است بنابراین مولفه مشارکت در حصول به اهداف مدرسه نقش اساسی دارد؛ چرا که در اینجا مشارکت به مفهوم فراگرد نیرومندسازی نهاد مدرسه مطرح است (خنیفر، رحمتی و رستمی‌پور، ۱۳۸۹) و بر سه ارزش بنیادین تأکید می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار؛

۲. راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش؛

۳. بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم.

از طرف دیگر در مفهوم مشارکت موضوعات کار گروهی، مشورت و هم‌افزایی نیز نهفته است. مشارکت در مدارس موجب ایجاد نظم‌دهی بیشتر به وضعیت موجود، اعتماد و امنیت بالاتر و تسهیل بیشتر در فرآیند کاری خواهد بود. دامنه چنین مشارکتی ارتقای کیفیت آموزشی را تضمین خواهد نمود و گرایش کارکنان را بهبود خواهد بخشید و در نتیجه خودشناسی، هم‌افزایی و انگیزش نیروی انسانی را افزایش خواهد داد. مدیریت توانمند و آگاه بخوبی از مفاهیم فوق مطلع بوده و با درایت و برنامه‌ریزی مناسب سعی در فعال نمودن تمامی ظرفیت‌های مدرسه از جمله شورای مدرسه، شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان و شورای دانش‌آموزان (به‌عنوان شکل‌های گروهی) خواهد نمود و به‌علاوه از توانمندی‌های نهادها، سازمان‌ها و خیرین علاقه‌مند برای کمک به واحد آموزشی نهایت استفاده را خواهد برد. بنابر این ایجاد تشکل یا گروه‌های کاری زمینه دیگری است که در پشتیبانی از فعالیت‌های مدرسه باید به آن توجه فراوان نمود. در نتیجه موارد یاد شده به‌عنوان عوامل بیرونی تاثیر گذار بر مدرسه معرفی می‌گردند.

۲. عوامل درونی اثرگذار

عوامل درونی اثرگذار در مدرسه بسیارند. از جمله این عوامل می‌توان به مدیر، معلم، دانش‌آموز، کارکنان، فضا و تجهیزات اشاره کرد. تعدادی از این عوامل نقش عمده و مؤثرتری ایفا می‌نمایند که می‌توان از آنها به عنوان ارکان مدرسه نام برد.

ساماندهی مداوم زمینه‌های تربیتی در فضای مدرسه، در گرو تغییرات هویتی کلیه عوامل تربیت اعم از مدیر، معلم و دیگر عواملی است که به نوعی با دانش‌آموزان سروکار دارند و ارتقای پیوسته مراتب وجودی آنان و نیز ساماندهی مداوم روابط و ساختارها و شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مدرسه براساس نظام معیار است. در چنین فضایی برنامه‌ها در عین سازمان‌یافتگی مملو از فرصت‌های گزینش، ترجیح و انتخاب آزادانه و آگاهانه است، به گونه‌ای که هر یک از دانش‌آموزان، براساس استعدادها و توانایی‌های خویش، از فرصت‌های متنوع تربیتی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود براساس نظام معیار برخوردار خواهد شد. برنامه‌ریزی و تدارک فرصت‌های تربیتی با رعایت ویژگی هر یک از مراحل تربیت و با مشارکت ارکان تربیت^{۱۳} صورت می‌گیرد. ساماندهی مداوم و متنوع فرصت‌های تربیتی در مدرسه در چارچوب اصول و مقررات مصوب مانند تنوع در زمان، تنوع در مکان ارائه، تنوع در طراحی انواع برنامه‌های درسی و تنوع در روش و نحوه اجرای برنامه‌های درسی انجام می‌گیرد. بنابراین و با توجه به موارد یاد شده مدرسه دارای چهار رکن اصلی مدیر، معلم، برنامه درسی و آموزشی و بالاخره دانش‌آموز می‌باشد.

۲-۱. مدیریت و رهبری توانمند و آگاه

مدیر از مهم‌ترین ارکان این مدرسه است که علاوه بر کارکرد اجرایی، کارکرد رهبری او در مدرسه نمایان‌تر و مهم‌تر است. در این مدرسه مدیر مشتاق به مدرسه و معلم و دانش‌آموز است. او دارای دیدی کلان‌نگر، علاقه‌مند به تغییر و هدایتگر آن متناسب با شرایط، دارای کارایی شخصی و میان‌فردی بالا، با اخلاق و شفاف در اجرای امور و ارتباطات، محرک توانمندی‌های سرمایه‌انسانی، تقویت‌کننده مشارکت‌پذیری افراد و هدایتگر فعالیت‌ها تا رسیدن به اهداف در سطوح عالی است. او علاوه بر اقتدار قانونی دارای اقتدار معنوی است و با مهارت‌های مختلف در هدایت بحران، زمان، مشارکت، آموزش، با اقتضائات محیط پیرامونی کاملاً آشناست. چنین مدیری تنها به دلیل داشتن تجربه مدیریت انتخاب نشده است، بلکه بر اساس ملاک‌ها و صلاحیت‌های از پیش تعیین شده و در یک فرایند عادلانه انتخاب و گزینش شده است. بنابراین به‌واسطه موارد یاد شده چنین مدیری الگویی شایسته خواهد بود و از مقبولیت ویژه‌ای برخوردار است. در رهنما نظام

تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در این ارتباط آمده است که: "مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، تجارب و اجماع آرا و اندیشه‌های کارشناسان و متخصصان مبین ضرورت تهیه و تدوین یک نظام رهبری و مدیریت جامع با توجه به اقتضائات و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای تربیت رسمی و عمومی کشور است (رهنامه فلسفه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی). نظام رهبری و مدیریتی که ضمن برخورداری از هوشمندی لازم، قادر باشد همه نیروهای تغییر را هم جهت کرده و به‌طور کارا و اثربخش به سوی منابع انسانی، مالی، فیزیکی، اطلاعاتی، زمانی، فرایندهای مدیریتی و آرمان‌ها و اهداف مشترک رهنمون کند. برنامه‌ریزی درسی، آموزشی و پژوهشی، سبک‌ها، نقش‌ها و فنون اداره و اعمال تغییرات لازم و به موقع و سازماندهی، از جمله این نیروها هستند که در زیر نظام رهبری و مدیریت تربیت رسمی و عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند." تضمین کارآمدی و اثربخشی، توسعه مشارکت و افزایش رقابت، نظارت، برقراری انسجام، تعامل و هم‌افزایی، تغییر فرهنگ سازمانی (دانش، نگرش و مهارت) و توسعه خلاقیت فردی و سازمانی از وظایف مدیریت و رهبری آموزشی است. همچنین دین محوری و بسط عدالت تربیتی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، شایسته سالاری، مشارکت‌جویی، پژوهش محوری، همه جانبه‌نگری، شفافیت در امور و استمرار و پیوستگی از اصول مربوط به انتخاب چنین مدیری می‌باشد.

هنر بزرگ مدیران مدرسه ایجاد محیط سازنده و برقراری مناسبات اثربخشی است که از طریق آن فراگیران بتوانند، با آموختن از خود و دیگران، امکان بهسازی و توسعه مستمر الگوهای ذهنی را در خود فراهم آورند. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان در این مدارس نه تنها از معلمان، محتوا و محیط آموزشی، بلکه از همدیگر نیز می‌آموزند و یک شبکه یادگیری ایجاد می‌کنند. تولید دانش حرفه‌ای، زمینه مهم دیگری است که در این مدرسه همواره در حال انجام است. منظور از این مفهوم دانشی است که می‌تواند به توسعه مهارت‌های «بازبینی» و «بازاندیشی» کمک کند و ظرفیت و توانایی عمل اثربخش را توسعه دهد، و این همان «علم عمل»^{۱۴} است. این دانش توسط نظریه‌پردازان مشهوری چون کریس آرجریس^{۱۵} و دونالد شون^{۱۶} ارائه و توسعه یافته است. تبیین دلایل و باورهای نهفته در لایه‌های زیرین عمل انسان، گسترش یادگیری زاینده، ترویج گفت‌وگو با خود و دیگران، یادگیری در حین عمل^{۱۷}، تفکر در حین عمل^{۱۸}، و «برنامه‌ریزی به مثابه یادگیری»^{۱۹} هدف این دانش است.^{۲۰} یادگیری و تفکر در حین عمل نیازمند تحول بنیادی در طرز تفکر انسان، بازسازی مداوم آموخته‌ها، بازاندیشی مستمر رفتار، بهسازی تدریجی فرایندهای عمل و حرکت اساسی برای واریسی بی‌امان پیش فرض‌های ذهنی و آزمون مداوم تجربه‌های

فردی و اجتماعی است. چنین یادگیری در «مدرسه‌ای که دوست دارم» در قلب و ذهن فراگیران نفوذ می‌کند، موجب آگاهی و تغییر رفتار می‌شود، به ایشان قابلیت ارتباط مؤثر با جهان خارج از ذهن را می‌دهد و از این طریق چشم اندازه‌های تازه‌ای را فراسوی آنان قرار می‌دهد؛ همچنین قابلیت‌های فراگیران را گسترش می‌دهد و بر توانایی خلاقیت و نوآوری آنان می‌افزاید (سرکار آرانی، ۱۳۸۵).

از آنجا که مقررات و قوانین این مدرسه مناسب، انعطاف‌پذیر و مورد توافق مخاطبان تدوین گردیده و به صورت مناسبی اطلاع‌رسانی نیز شده، بنابر این تخلف از آن صورت نمی‌پذیرد. در نتیجه بر رعایت نظم و انضباط تأکید می‌گردد و در عین حال دانش‌آموزان از رفاه و راحتی قابل توجهی برخوردار هستند.

در این مدرسه کلیه برنامه‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر فعالیت‌های گروهی و پروژه محوری است. فرایند آموزش به صورتی فعال، پروژه محور و پژوهش مدار مبتنی بر تفکر، تحلیل و پژوهش در گروه‌های یادگیری جریان دارد و تشکل‌های دانش‌آموزی نقشی اساسی در برنامه آموزشی و فعالیت‌های فوق برنامه ایفا می‌کنند.

این مدرسه درهای خود را به روی جامعه باز می‌کند و با آن تعاملی سازنده دارد. والدین امکان حضور فعال در این نوع مدارس را دارند و حتی می‌توانند براساس برنامه‌ای منظم به مشاهده کلاس درس بپردازند و در اداره و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی نقش مؤثری بر عهده بگیرند. این مدارس قابلیت نوسازی و روزآمد نمودن خود را دارند و در مقابل انتظاراتی که نهادهای اجتماعی از آنها دارند، واکنش مثبت نشان می‌دهند.

پیش‌بینی استفاده از فناوری‌های نوین و بهره‌مندی از تاثیرات مثبت آنها در آموزش و فرایند یاددهی - یادگیری یکی دیگر از زمینه‌های مورد توجه در «مدرسه‌ای که دوست دارم» است. این مدارس تماماً به صورت هوشمند اداره می‌شوند و کلیه زمینه‌های آموزش الکترونیکی و چند رسانه‌ای برای دانش‌آموزان در کلاس‌های درس و حتی در منزل مهیاست. در این مدارس تأکید بر حضور دانش‌آموز در کلاس درس است اما برخی فعالیت‌های آموزشی در خارج از مدرسه توسط معلمان و نرم افزارهای رایانه‌ای کنترل و گزارش می‌شوند. از طرف دیگر وجود یک شبکه سراسری متصل به مدارس به همراه پورتالی که کلیه فعالیت‌ها و ارتباطات آموزشی و به اشتراک‌گذاری منابع آموزشی و تبادل اطلاعات را به صورتی تعریف شده فراهم می‌نماید اجتناب‌ناپذیر است.

در این الگوی مفهومی مدیرمدرسه دارای وظایفی به شرح زیر است:

۱. برنامه‌ریزی و تعیین چشم‌انداز در زمینه ایجاد فرصت‌های متنوع و پویا برای دانش‌آموزان در درک و اصلاح موقعیت خویش با توجه به مقتضیات بومی و محلی؛
۲. شناسایی ظرفیت‌های بالقوه خانواده و جامعه محلی در تدارک فرصت‌های تربیتی و بهره‌گیری از آن؛
۳. ایجاد فرصت‌هایی برای هماهنگی و مشارکت معلمان در درک و بهبود موقعیت خود و دانش‌آموزان در جریان تربیت برای دستیابی به مراتب حیات طیبه؛
۴. تأمین منابع با رعایت اصل عدالت آموزشی، نظارت و ارزیابی و اصلاح مداوم برنامه‌ها؛
۵. افزایش ظرفیت‌های بالقوه دانش‌آموزان در سه سطح محصول، برونداد و پیامد؛
۶. ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت نهادهای مردمی در ارائه خدمات متنوع و با کیفیت در جهت تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی؛
۷. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در سطوح مختلف به منظور ارتقاء سطح عملکرد مدرسه و جامعه در راستای اهداف تربیت رسمی و عمومی.

۲-۲. معلم

معلم یکی از ارکان مدرسه است و وظیفه زمینه‌سازی برای تحقق نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارد. با عنایت به یافته‌های فلسفه تربیت و نیز با توجه به معنای تربیت می‌توان معلم را راهنمای خردمند امینی دانست که وظیفه برنامه‌ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن و ترغیب دانش‌آموزان برای به چالش کشاندن موقعیت‌های کنونی جهت بسط و توسعه ظرفیت‌های وجودی را بر عهده دارد.

معلم این مدرسه قادر به تشخیص قابلیت‌ها و نقاط قوت و ضعف خود است و می‌تواند سطح بلوغ فکری و روانی خود را ارتقا دهد. می‌تواند برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را به گونه‌ای سازماندهی نماید تا زمینه برای رشد و توسعه ظرفیت‌های وجودی و دستیابی دانش‌آموزان به مراتب حیات طیبه فراهم شود. آنان از نظر جسمی، دانش و مهارت حرفه‌ای در سطح بالا قرار داشته و دائم مورد سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای قرار می‌گیرند و استخدام آنان منوط به داشتن آمادگی در حد مطلوب است. آنان علاقه‌مند به تدریس‌اند و نسبت به آن عشق و علاقه فراوان دارند و از طرفی سعی در روزآمد نمودن خود در کسب مهارت‌های مورد نیاز دارند. معلم در این مدرسه معلم پژوهنده است، یعنی معلمی است که از کنار مسایل آموزشی و تربیتی به سادگی

عبور نمی‌کند و در این ارتباط با پژوهشگاه‌های مختلف ارتباط علمی و آموزشی دارد. سایر کارکنان مدرسه اعم از عوامل آموزشی و اداری که در این مدرسه مشغول به خدمت‌اند نیروی انسانی مجرب و ماهری قلمداد می‌شوند که دارای دانش، تجربه و مهارت کافی بوده و ضمن علاقه به انجام فعالیت‌های آموزشی از انگیزش و پیش و نگرش کافی در انجام وظایف آموزشی و پرورشی برخوردارند و بین دو مفهوم آموزش و پرورش تفکیک قایل نمی‌شوند و بر هر دوی آنها تسلط کافی دارند. مشاور در چنین مدرسه‌ای تنها یک مشاور تحصیلی قوی نیست بلکه در سطح یک روان‌شناس به دانش‌آموزان و اولیا مشاوره می‌دهد. معلم بهداشت نیز یک فرد مطلع و آگاه و در حد یک کارشناس ارشد مسایل زیستی، بهداشت فردی و گروهی، تغذیه و بهداشت روانی دانش‌آموزان و مدرسه را کنترل می‌نماید. به‌علاوه، چنین کسی آشنا به رفتار شهروندی سازمانی^{۲۱} است که خود موجب بهبود اثربخشی برنامه‌ها و فعالیت‌های این مدرسه و جذب بیشتر دانش‌آموزان و اولیا به محیط مدرسه و کلاس‌های درس خواهد شد. معلمان در چنین نگاهی افرادی علاقه‌مند، فعال، مسلط به دانش و مهارت‌های حرفه‌ای و مجرب در مهارت‌های مبتنی بر فناوری‌های نوین بوده و نه تنها از این مهارت‌ها در کلاس درس بهره می‌گیرند، بلکه همواره در حال روزآمد نمودن خود در کسب این مهارت‌ها برای ارتقای دانش و مهارت حرفه‌ای در تدریس به فراگیران (رهنامه فلسفه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی).

روش‌های تدریس معلمان در این مدارس فعال، نوین، متناسب با موضوع یادگیری و توانایی دانش‌آموزان انتخاب شده و توسط معلمان مجرب، ماهر، علاقه‌مند و آگاه ارایه می‌گردد. بنابراین مدیریت کلاس درس و تدریس محتوا به‌صورتی اثر بخش توسط معلمان که تربیت شده اند اجرا می‌گردد و همه دانش‌آموزان از حضور در چنین کلاس‌های درسی لذت وافر خواهند برد.

۲-۳. برنامه درسی و آموزشی

برنامه درسی به مجموعه فرصت‌های تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تا سطح مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود و به نتایج مترتب بر آنها اطلاق می‌شود که دانش‌آموزان برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت در معرض آنها قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش آماده تحقق مرتبه قابل قبولی از حیات طیبه در همه ابعاد شوند و شامل ابعاد چهارگانه طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌باشد.

طراحی در درجه نخست ناظر به ویژگی‌های عام طرح یا نقشه حاکم بر برنامه درسی است که دیدگاه یا خاستگاه ارزشی برنامه درسی را تبیین می‌نماید و در درجه دوم با ابتدا به چنین پایگاهی برای عناصر برنامه درسی مانند تشخیص نیاز و تدوین اهداف، انتخاب محتوا، سازماندهی محتوا، راهبردهای تدریس، فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری، سنجش پیشرفت تحصیلی و زمان تعیین تکلیف می‌نماید.

تدوین، ناظر به فرایند ساخت و تولید برنامه درسی است و شامل ابعادی مانند خاستگاه برنامه‌ریزی درسی (تمرکز و عدم تمرکز)، میزان انعطاف و ترکیب گروه‌های تصمیم‌گیرنده درباره عناصر برنامه درسی می‌باشد.

اجرا، ناظر به رخدادهایی است که چگونگی عملیاتی ساختن برنامه درسی را در کانون توجه دارد و شامل ابعادی همچون منشأ یا مبدأ تغییر، واحد یا عامل تغییر و پیامدهای تغییر می‌شود. **ارزشیابی**، ناظر به فرایند دریافت داده‌های معتبر برای بازسازی و بهسازی مداوم برنامه درسی است و شامل ابعادی مانند سطوح، روش و منابع اطلاعاتی می‌شود.

عوامل مؤثر بر کیفیت برنامه درسی شامل برنامه‌های کلان، نیمه تجویزی و غیرتجویزی (شامل انواع فعالیت‌های انتخابی و اختیاری، فوق برنامه، مکمل و اوقات فراغت) است که به تعیین تکلیف برای عاملان طراحی، اجرا، ارزشیابی و زمان این فعالیت‌ها می‌پردازد. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، ناظر به کاربرد فناوری در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری است و به تعیین تکلیف برای رسانه‌ها و ابزارهای تسهیل‌کننده یادگیری و توانمندسازی آن می‌پردازد.

زمان آموزش به عنوان یک مقوله کلان تأثیرگذار بر جهت‌گیری‌ها، فرایند و محصول تربیت (نه یک عنصر برنامه درسی) است به عبارت دیگر به عنوان ظرف تدریس (نه ابزار تدریس) مطمح نظر است.

زبان آموزش ناظر به تعیین تکلیف برای پیش نیازهای اساسی تربیت از جمله تدریس زبان فارسی به مثابه زبان ملی، زبان فارسی برای دانش‌آموزان غیرفارسی زبان و همچنین تدریس زبان‌های خارجی در نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران است.

ارزشیابی نباید به مفهوم اندازه‌گیری تقلیل داده شود. بلکه باید آیین تمام‌نمای اهداف باشد. وجه رقابت‌زایی یا رقابت‌جویی ارزشیابی باید به حداقل ممکن تقلیل یابد و ارزشیابی گروهی و مشارکتی مورد تأکید قرار گیرد.

۲-۴. دانش آموز

دانش آموز هدف اصلی هر نظام آموزشی و حاصل تعلیم و تربیت مدرسه است؛ چرا که هر آنچه در نظام تعلیم و تربیت جریان دارد هدف آن هدایت و تربیت دانش آموز است، پس از این نظر دانش آموز محور اصلی مدرسه محسوب می‌گردد. معنا و مفهوم تربیت برای دانش آموزان به گونه‌ای است که در آن عقلانیت و آگاهی، آزادی، حصول به مفاهیم والای قرآنی، توجه به تدریجی و پیوسته بودن، تعاملی و دوسویه بودن، همه جانبه بودن، متعادل بودن، جامع و مانع بودن، توجه به مراتب حیات طیبۀ فطرت و طبیعت، تاکید بر معیارهای اسلامی، زندگی سالم و حیثیت اجتماعی، توجه به چالش‌های موجود و پیش رو و توجه به ادبیات مرسوم برای دانش آموز مورد تاکید قرار دارد (فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران). از طرف دیگر تمامی تلاش‌ها در «مدرسه‌ای که دوست دارم» به دنبال ایجاد شرایطی است که در آن دانش آموز نه تنها به‌عنوان شریک اولیای مدرسه در فرایند آموزش معرفی گردد، بلکه به‌عنوان شریک معلم در پرورش حرفه‌ای او نیز قلمداد شود. در چنین شرایطی دانش آموز یک یادگیرنده فعال است و مسئول یادگیری خود خواهد بود. در چنین مدرسه‌ای دانش آموزان همکاران مدیر و معلمان تلقی شده و حتی مسئولیت اداره برخی امور مانند پاکیزگی کلاس‌ها و سالن‌های مختلف و حتی کمک در آموزش به سایر دانش آموزان هم گروه را به‌عهده می‌گیرند.

دانش آموزان از عزت نفس و اعتماد به نفس قوی برخوردارند و تعلیم و تربیت آنها به گونه‌ای خواهد بود که مدرسه را از آن خود دانسته و برای حفظ آن تلاش می‌کنند. به‌عبارت دیگر دانش آموزان نه تنها در فعالیت‌های آموزشی و درسی مشارکت فعال دارند، بلکه در اداره مدرسه نیز مشارکت می‌جویند. در موقعیت‌های مناسب رفتارهای ناپسند فراگیران تصحیح می‌شود و دانش آموزان فرایند اصلاح رفتار خود را درک و تجربه می‌نمایند. از طرفی مدرسه شهروندانی تربیت می‌کند که به مسائل جهانی نیز علاقه‌مندند و نسبت به تحولات آن واکنش نشان می‌دهند.

علاوه بر ارکان فوق، عوامل دیگری نیز در این مدرسه تاثیرگذارند. اما دو عاملی که بسیار حائز اهمیت هستند و لازم است مورد توجه قرارگیرند یکی فضای فیزیکی مناسب و با نشاط و دیگری تجهیزات و فناوری مناسب و کافی است.

۲-۵- فضای فیزیکی مناسب و با نشاط

اهمیت عامل فضای فیزیکی مناسب در «مدرسه‌ای که دوست دارم» و توجه به نکاتی که آنرا

به محیطی سالم، امن، زیبا و با نشاط تبدیل می‌کند، آن‌قدر زیاد است که این عامل را باید یکی از مؤلفه‌های مهم این مدرسه معرفی نمود. در این بخش باید همه زمینه‌های مربوط به فضاهای مختلف درون یک واحد آموزشی که مورد نیاز فعالیت‌های متعدد است مانند آموزش، مشاوره، آزمایش و کار عملی، امور اداری، امور پرورشی، فعالیت‌های فوق برنامه و سایر امور مورد توجه قرار گیرد. به علاوه، کافی بودن تعداد این فضاها در مدرسه و رعایت استانداردهای لازم در طراحی هر یک از فضاها یکی دیگر از شاخصه‌های مربوط به این بخش می‌باشد. از طرف دیگر سالم‌سازی فضا و با نشاط نمودن آن ضمن این که موجب لذت‌بخش نمودن محیط واحد آموزشی برای فراگیران می‌گردد، از جمله دیگر شاخصه‌های مورد توجه در این بخش است که رعایت استانداردهای آن الزامی است. توجه به مجتمع‌های آموزشی، شامل فضاهای تفکیک شده‌ای که همه دوره‌های تحصیلی آموزش رسمی و عمومی را در بر می‌گیرند، نکته قابل توجه دیگری است که مورد تأکید نیز می‌باشد. توجه به اصول معماری ایرانی - اسلامی و طراحی شهری، فناوری ساخت و مدیریت فنی و مهندسی و همچنین توجه به شرایط روحی، جنسیتی، سنی، اقلیمی، برنامه‌های آموزشی و درسی، زیباسازی، با نشاط‌سازی و تنوع فعالیت‌های آموزشی، تربیتی و ورزشی از جمله مواردی است که توصیه شده است (رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران).

۲-۶- تجهیزات و فناوری مناسب و کافی مطابق با نیازهای آموزشی و پرورشی^{۳۸}

موضوع تجهیزات آموزشی و فناوری‌های نوین، و به‌ویژه کاربرد آن در فرآیند آموزش یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین دغدغه‌های هر مؤسسه یا واحد آموزشی است. چرا که این تجهیزات نیاز به اعتبارات مالی دارند و باید بر اساس نیازهای آموزشی پیش‌بینی و تهیه شوند. این تجهیزات باید کافی بوده و از استانداردهای لازم برخوردار باشند، به علاوه چون نیاز به نگهداری و پشتیبانی دارند باید به شکل مناسب و بهینه مورد استفاده قرار گیرند. این تجهیزات شامل تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی، تجهیزات اداری و سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است، اعم از میز و صندلی، تخته سیاه یا وایت برد، میز و صندلی معلم در کلاس درس، سیستم برودت و گرمایش در کلاس درس، نوشت‌افزار داخل کلاس درس، رایانه مجهز به شبکه در داخل کلاس‌های درس، ویدئو پروژکتور برای ارائه مطالب آموزشی، تخته‌های هوشمند، کمد نرم‌افزارهای آموزشی مورد استفاده معلم و دانش‌آموزان، کتب مناسب، روزآمد و مورد نیاز دانش‌آموزان و وضعیت تجهیزات و امکانات اداری مدرسه و ... استفاده از این ابزارها فرایند

یاددهی یادگیری را تسریع، تسهیل و تعمیق می‌بخشد. در این مدرسه نه تنها همگی موارد یاد شده با برنامه‌ریزی قبلی رعایت می‌گردد، بلکه تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی لازم شامل تجهیزات آزمایشگاهی، امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات به همراه سایر تجهیزات مورد نیاز هر درس، در فضای کلاسی دارای چیدمان است و کلاس‌های موضوعی نیز با امکانات مربوط به هر درس که در ضمن کافی برای استفاده گروه‌های دانش‌آموزی هستند با مبلمان آموزشی ویژه‌ای طراحی و ارائه می‌شوند. به‌علاوه نیروی انسانی مجرب و ماهری نیز وظیفه برنامه‌ریزی برای استفاده از تجهیزات در کلاس‌های درس و رسیدگی به نحوه استفاده صحیح و نگهداری از تجهیزات و رفع عیوب احتمالی را به‌عهده خواهد داشت (سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

چشم‌انداز ۲۰ ساله، نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر این مفهوم اساسی تأکید دارند که با مدارس سنتی نمی‌توان دانش‌آموختگان را برای زندگی فردا آماده نمود و برای رسیدن به این که دانش‌آموختگانی دانا و توانا و متعهد در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی داشته باشیم نه تنها نیازمند تحول در تمامی عرصه‌های تعلیم و تربیت هستیم، بلکه مفهوم مدرسه نیز نیازمند باز تعریف و تحول اساسی است. "مدرسه‌ای که دوست دارم" نمودی از یک واحد آموزشی با شیوه‌ها و تدارکات متحولانه است که بر چهار رکن اساسی مدیر، معلم، دانش‌آموز و برنامه آموزشی و درسی بنا نهاده شده است. این مدرسه مبتنی بر استفاده از اختیارات و مشارکت جمعی بنا نهاده شده و دارای مولفه‌هایی می‌باشد که با هماهنگی هم زمینه‌های تحول‌آفرین آموزش مدرسه‌ای را بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در جامعه فراهم می‌نمایند. این مولفه‌ها شامل مدیریت توانمند و آگاه، نیروی انسانی مجرب و ماهر، دانش‌آموزان علاقه‌مند و مستعد، محتوا و برنامه‌ریزی جامع و انعطاف‌پذیر، فضای فیزیکی مناسب و با نشاط و تجهیزات و فناوری مناسب و کافی می‌باشند. همچنین در این مدارس رویکردهای مهم و همه‌جانبه آموزشی مانند پژوهش‌مداری، فعالیت‌های گروهی و پروژه‌ای، دین محوری، تربیت دینی و اعتقادی در قالب آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی و هدایت ائمه اطهار و معصومین (ع)، مهارت‌های زندگی و تربیت شهروندی، حفظ هویت اسلامی و ملی، ارتقای مهارت‌های به‌کارگیری فناوری‌های نوین، هوشمندسازی، آینده‌نگری و آینده‌پژوهی، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری و توجه به استقلال فراگیران در یادگیری، مشارکت فعال فراگیران

در یادگیری و تقویت مسئولیت‌پذیری آنان، فرهنگ یادگیری مادام‌العمر، تقویت مهارت‌های شناختی و فراشناختی، آشتی فراگیران با مدرسه و لذت بردن از محیط و آموزش‌های مدرسه‌ای، تربیت سیاسی در حد حفظ ارزش‌ها، سنت‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، تربیت حرفه‌ای و حرفه‌آموزی، تقویت خلاقیت و نوآوری، مشارکت گرفتن از دانش‌آموزان، خانواده، نهادهای مدنی و اجتماعی و دولت در اداره امور و رفع مشکلات مدرسه، توجه به الگوهای نظم‌محوری، توجه به تربیت بدنی و انجام فعالیت‌های ورزشی برای سلامت روح و جسم دانش‌آموزان و توجه به رایه مشاوره قوی به دانش‌آموزان و برقراری ارتباط مؤثر با اولیای آنان مورد توجه است. از اهم وظایف چنین مدرسه‌ای برنامه‌ریزی، تعیین چشم‌انداز و ایجاد فرصت‌های متنوع و پویا برای یکایک دانش‌آموزان در درک و اصلاح موقعیت خویش با توجه به مقتضیات بومی و محلی، شناسایی ظرفیت‌های بالقوه خانواده و جامعه در تدارک فرصت‌های تربیتی و بهره‌گیری از آن، ایجاد فرصت‌هایی برای هماهنگی، مشارکت معلمان در درک و بهبود موقعیت خود و دانش‌آموزان در جریان تربیت برای دستیابی به مراتب حیات طیبه، تأمین منابع با رعایت اصل عدالت آموزشی، نظارت و ارزیابی و اصلاح مداوم برنامه‌ها در تحقق ظرفیت‌های بالقوه دانش‌آموزان در سه سطح محصول، برونداد و پیامد، ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت نهادهای مردمی در ارائه خدمات متنوع و با کیفیت در جهت تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در سطوح مختلف به منظور ارتقاء سطح عملکرد مدرسه و جامعه در راستای اهداف تربیت رسمی و عمومی می‌توان اشاره نمود.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای مدرسه فوق در سند تحول بنیادین شمرده شده است راهبردهای زیر برای اشاعه و ترویج فرهنگ این مدرسه به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

راهبردهای ترویج فرهنگ «مدرسه‌ای که دوست دارم»

۱. تبیین برنامه عملیاتی مدرسه مطابق با سند تحول بنیادین؛
۲. الگوسازی و اشاعه فرهنگ مدرسه فوق در کشور و ترغیب استان‌های کشور به راه اندازی این مدرسه در سطحی محدود و به صورت آزمایشی؛
۳. رصد مدارس موفق که حائز تبدیل شدن به این مدرسه هستند؛
۴. فرهنگ‌سازی در میان دانش‌آموزان، اولیاء، دبیران، مدیران و کلیه کارکنان واحدهای آموزشی و ایجاد اعتقاد و التزام عملی در آنان؛
۵. برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها، جشنواره‌های آموزشی - توجیهی و تبادل تجربه میان

- عوامل «مدرسه‌ای که دوست دارم» و مستندسازی و اطلاع‌رسانی آن به سایر مدارس کشور؛
۶. فرهنگ‌سازی در میان مدیران ارشد و آگاه نمودن آنان جهت حمایت و پشتیبانی از اجرای طرح توسعه این مدرسه در کشور؛
 ۷. تأمین منابع انسانی، مالی، فنی و تجهیزاتی برای اجرای طرح و تجهیز و تأمین واحدهای آموزشی مجری طرح قبل از شروع به کار آنان؛
 ۸. آموزش نیروی انسانی مورد نیاز در سطوح دانشی، مهارتی و نگرشی در اجرای طرح؛
 ۹. تهیه و تدوین منابع علمی و آموزشی لازم جهت انتقال مفاهیم اساسی این مدرسه به مخاطبان و ذی‌نفعان؛
 ۱۰. طراحی و ارائه نمونه برنامه‌ها و فعالیت‌های «مدرسه فوق» به صورت پیشنهادی و جهت استفاده عملی از آن در مدارس مجری طرح و سایر مدارس علاقه‌مند؛
 ۱۱. استفاده از مکانیزم‌های انگیزشی برای تشویق و ترغیب عوامل اجرایی و انجام نظارت‌های هدفمند و منظم از اجرای طرح، به صورت تدریجی و بالینی.
- همچنین با توجه به مطالعات انجام شده لازم است زمینه مطالعه و پژوهش بیشتر در ابعاد مختلف در راستای اشاعه و گسترش «مدرسه‌ای که دوست دارم» فراهم شود. زمینه‌های مورد مطالعه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:
۱. بررسی روش‌های مؤثر و بهینه الگو سازی و اشاعه فرهنگ این مدرسه در کشور؛
 ۲. بررسی قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اداری و آموزشی مورد نیاز مدرسه فوق؛
 ۳. روش‌های بهینه توجیه و ترغیب ادارات کل آموزش و پرورش به راه‌اندازی این مدرسه؛
 ۴. شیوه‌های بهینه شناسایی مدارس موفق که حائز تبدیل شدن به مدرسه فوق می‌باشند؛
 ۵. تعیین شاخص‌های نیروی انسانی مورد نیاز و شیوه‌های تربیت این نیروها؛
 ۶. تعیین شاخص‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی مورد نیاز و شیوه‌های اجرای آن؛
 ۷. تجهیزات مورد نیاز و شیوه‌های کاربری مؤثر آن؛
 ۸. بررسی راه‌های افزایش مشارکت در و شیوه‌های مؤثر کاربرد آن در واحد آموزشی؛
 ۹. بررسی ساختار مناسب آموزشی و اداری در مدرسه فوق؛
 ۱۰. بررسی شیوه‌های مناسب کاربرد فناوری؛
 ۱۱. تعیین صلاحیت‌های مورد نیاز مدیریت و رهبری؛
 ۱۲. طراحی و ارائه نمونه برنامه‌ها و فعالیت‌های این مدرسه به صورت پیشنهادی، جهت استفاده عملی از آن در مدارس مجری طرح و سایر مدارس علاقه‌مند؛

۱۳. شناسایی ساز و کارهای انگیزشی برای تشویق و ترغیب عوامل اجرایی مدرسه فوق و اتخاذ شیوه‌های مناسب نظارت و ارزشیابی برای اجرای طرح در کشور. بدیهی است با عملیاتی شدن و تکمیل همه جانبه و پیش‌بینی منابع مورد نیاز، همچنین اجرای آزمایشی مدل «مدرسه‌ای که دوست دارم» و ایجاد ظرفیت برای گسترش آن در سطح کشور می‌توان حصول به اهداف چشم انداز ۲۰ ساله کشور را متحقق نمود.

پی‌نویس

۱. جریان تعاملی زمینه‌سازی هدایت افراد جا‌معه به سوی رشد همه‌جانبه و متعادل و تکوین و تعالی پیوسته هویت خود براساس معیارهای اسلامی، تا با کسب شایستگی‌های لازم جهت درک موقعیت خود و عمل برای بهبود مستمر آن، آماده تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آن شوند (برگرفته از طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش صفحه ۳۳)
۲. نظام اجتماعی مسئول تربیت رسمی و عمومی در سطح پیش از آموزش عالی
۳. الگوی نظری جامعی که براساس فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران وضعیت آرمانی نظام آموزش و پرورش را با تبیین اهداف و وظایف، اصول و رویکردهای کلی مربوط به ساحت‌ها، زیرنظام‌های اصلی، آموزش‌های خاص و سایر مؤلفه‌های این نظام ترسیم می‌نماید.
۴. در این سند واژه «مربی» و «معلم» مترادف هم‌بکار رفته است و به فردی اطلاق می‌شود که رسالت خطیر تربیت دانش‌آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بر عهده دارد.
۵. به یادگیری اطلاق می‌گردد که به محض تحقق یادگیری، مسیر برای یادگیری بعدی هموار می‌گردد و این فرایند ادامه دارد.
۶. بازیبنی به‌انسان کمک می‌کند تا به آرامی و دقت در فرایندهای تفکر خود تأمل کند و دریابد که الگوهای ذهنی چگونه شکل می‌گیرند.
۷. الگوهای ذهنی، تصویرها، پیش‌فرض‌ها، باورها و داستان‌هایی است که انسان درباره خود، دیگران، سازمان‌ها، مناسبات اجتماعی و همه جنبه‌های جهانی که در آن زندگی می‌کند در ذهن خود دارد. الگوهای ذهنی نشان‌دهنده دریافت‌های آدمی از جهان خارج است و دقیقاً بیانگر آنچه است که در ارتباط با جهان خارج می‌بیند.
- بازاندیشی به آدمی کمک می‌کند تا در جریان گفت و گو و سهیم شدن در فرایند تبیین پیش‌فرض‌های خود با دیگران، آگاهی خود را نسبت به کیفیت نگرش‌های خود افزایش دهد و تأثیر آن را در عمل دریابد.
۸. ساحت‌های تربیت: جریان تربیت می‌تواند متناسب با شئون متفاوت زندگی آدمی به انواع ذیل تقسیم گردد:
 - تربیت دینی و اخلاقی؛ ناظر به رشد جنبه معنوی و ارزش زندگی، برقراری ارتباط با حق متعال، التزام به ارزش‌های دینی و اخلاقی و تقید به اعمال و معیارهای دینی و اخلاقی در زندگی روزمره، تربیت زیستی و بدنی؛ ناظر به رشد جنبه طبیعی و جسمانی حیات آدمی، تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به رشد جنبه اجتماعی زندگی آدمی در ارتباط با دیگران و تعامل با نهادهای مدنی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ناظر به رشد صلاحیت‌های آدمی در تدبیر امر معیشت و زندگی شغلی، تربیت علمی و فناوری؛ ناظر به رشد توانمندی‌های افراد در شناخت، بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب مترکّم بشری، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی؛ ناظر به رشد عواطف و احساسات زیبایی‌شناختی و درک، قدردانی و خلق آثار هنری. شایان ذکر است تربیت در همه ساحت‌های یاد شده شامل ابعاد عقلانی (شناخت و بینش)، عاطفی (نگرش و گرایش)، ارادی (نیت و تصمیم) و عملی (کنش و مهارت) میباشد. (طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش مقدمه و کلیات، گزارش تلفیق نتایج مطالعات راهبردی ص ۷-۶)
۹. جنبه فردی آن ایجاب می‌کند که دولت آزادی افراد را در انتخاب نوع آموزش و مدرسه محترم شمارد و مانع از ایجاد مدارس و آموزش‌های خصوصی نشود.
۱۰. این مطلب همان فرایندی است که نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در پی تحقق آن براساس چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور می‌باشد.
۱۱. منظور از ارکان تربیت همان عوامل بیرونی تأثیرگذار بر مدرسه شامل جامعه، خانواده و نهادهای مدنی و اجتماعی می‌باشند.

12. Action science

13. Chris Argyris

14. Donald Schon

15. Learning by doing

16. Reflection in action

17. Planning as learning

۱۸. این مفهوم بارها در بیانات مقام معظم رهبری مورد تاکید برای دانشمندان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بویژه دست اندرکاران آموزش و پرورش بوده که توصیه شده در محیط‌های آموزشی بالاخص مدارس کشور مورد توجه قرار گیرد.

۱۹. مفهوم رفتار شهروندی سازمانی (OCB=Organizational Citizenship Behavior) اولین بار توسط باتمان و ارگان در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به دنیای علم ارائه شد. تحقیقات اولیه‌ای که در زمینه رفتار شهروندی سازمانی انجام گرفت بیشتر برای شناسایی مسئولیتها و یا رفتارهایی بود که کارکنان در سازمان داشتند، اما اغلب نادیده گرفته می‌شد. این رفتارها با وجود اینکه در ارزیابیهای سنتی عملکرد شغلی به طور ناقص اندازه گیری می‌شدند و یا حتی گاهی اوقات مورد غفلت قرار می‌گرفتند، اما در بهبود اثربخشی سازمانی مؤثر بودند. (بینستوک و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۶۰) این اعمال که در محل کار اتفاق می‌افتند را اینگونه تعریف می‌کنند: «مجموعه‌ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری که بخشی از وظایف رسمی فرد نیستند، اما با این وجود توسط وی انجام و باعث بهبود مؤثر وظایف و نقشهای سازمان می‌شوند.» (اپل بام و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۹) . گراهام (۱۹۹۱) معتقد است که رفتارهای شهروندی در سازمان سه نوع اطاعت سازمانی، وفاداری سازمانی و مشارکت سازمانی و همچنین ابعاد رفتار شهروندی شامل وظیفه شناسی، نوع دوستی، فضیلت شهروندی، جوانمردی و احترام و تکریم می‌باشد (اسلامی و سیار، ۱۳۸۸).

منابع

- آرتور، دونالد چاکر و ریچارد، هاین. (۱۳۷۶). *مدارس برتر جهان، استانداردهای جدید آموزش و پرورش* (ترجمه مرجان مرندی). تهران: دفتر همکاری های علمی بین المللی.
- اسلامی، حسن و سیار، ابولقاسم. (۱۳۸۸). *رفتار شهروندی سازمانی*. سایت جامع مدیریت مدیریار.
- لارسن، (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت (ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور) تهران: خدمات فرهنگی رسا قرآن کریم.
- صحیفه نور- جلد ۱۳
- فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- فلسفه‌ی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۹). تهران: دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- سند تحول بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش
- سند نقشه جامع علمی کشور. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کمالان، سیدمهدی. (۱۳۹۰). *قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)*. تهران: کمالان.
- خنیفر، حسین؛ رحمتی، حسین و رستمی پور، علی. (۱۳۸۹). *مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش*. تهران: نورالتقلین.
- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۸۷). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- درونه، جعفر؛ رضایی و محمدحسین، منشور. (۱۳۸۷). *تحول بنیادین آموزش و پرورش از نگاه مقام معظم رهبری*. تهران: دبیرخانه اجرایی ستاد تحول بنیادین.